فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR
یکشنبه ۱۴ دی ۱۳۹۹ | شماره ۳۲۲۴

صاحب‌امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی- مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی- سردبیر: مسعود فروغی
دفتر مدیرمسئول: ۶۶۳۴۸۰۱۶ تحریریه: ۱۸۲-۶۶۷۶۰۱۸۰ - فکس: ۶۶۷۶۰۵۰۱- ۶۶۷۲۶۰۴۷
روابط عمومی: ۶۶۷۶۰۴۹۹ - سازمان آگهی‌ها: ۱۸و۶۶۳۴۸۰۴۶
چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی- توزیع فرهیختگان: ۱۲-۶۶۳۴۸۰۱۱
نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، روبه‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

وضعیت آلودگی هوا در سال ۹۹ نشان داد هیچ یک از اقدامات مسئولان برای کنترل این پدیده کارآمد نبوده است

کاهش ۵۰درصدی ترددها افزایش ۴۰درصدی آلودگی‌ها

ابوالقاسم رحمانی
دبیرگروه جامعه

این سکوت را می‌بینید؟ این استیصال و بی‌برنامگی را چطور؟ همین من و خیلی‌های دیگر شبیه من، چندقدم که در خیابان‌های پایتخت برمی‌داریم، نفس‌مان به‌شماره می‌افتد، سرفه امان‌مان نمی‌دهد و سردرد و حالت تهوع هم که بیچاره می‌کند. برای چه؟ برای این هوای لعنتی و تمام دود و آلودگی‌هایی که در آن ایجاد شده و به ریه‌های ما می‌رود. هیچ‌کس هیچ کاری نمی‌کند، کاری از دست هیچ‌کس برنمی‌آید، حتی دیگر پای باد و باران را هم وسط نمی‌کشند و نمی‌گویند که صبر کنیم باران بیاید و یا باد بوزد بلکه این آلودگی‌های هوای تهران و کلانشهرهای دیگر کشور شرشان را کم کنند. یک سکون و رخوت آزاردهنده، علتش هم مشخص است، همه ناامیدیم، همه می‌دانیم چرا هوای تهران این‌طور شده است، همه می‌دانیم که حمل‌ونقل عمومی کفاف جمعیت شهر و مسافران را نمی‌دهد، بنزین کیفیت مناسبی ندارد، جلوی مسیرهای ورودی باد در غرب تهران را بسته و جایش را برج کاشته‌اند، موتورسیکلت‌های بنزینی و کاربراتوری از سروکول خیابان‌ها بالا می‌روند و دود به حلق ما می‌ریزند، اتوبوس‌های شهری فرسوده‌اند و بیش از جابه‌جایی مسافرها، دود در شهر پخش می‌کنند، نیروگاه‌ها در اطراف پایتخت مازوت می‌سوزانند و.... همه ما اینها را می‌دانیم و راه‌حلش را هم از حفظیم. منتها چرا کاری نمی‌کنیم، باید از سکوت مسئولان پرسید، از آن چندین و چند نهادی که اسم‌شان به‌عنوان متولی در قانون هوای پاک ذکر شده است اما کاری نمی‌کنند. هر سال هم که به این روزها می‌رسیم و نفس‌ها تنگ می‌شود، قلم برمی‌داریم به مطالبه‌گری که آهای شهرداری، آهای وزارت فلان و آهای مجلس و... به داد این مردم برسید و آنها هم حواله‌مان می‌دهند به آسمان و بارش باران و وزش باد! این برای نگارنده حتما دردآورتر از سردردی است که از صبح که پا در خیابان و تا شب که سر بر بالین می‌گذارد، دارد. با این همه به رسم وظیفه و رسالتی که بر دوش است، دوباره و برای نمی‌دانم بار چندم از آلودگی هوای کلانشهرها، خصوصا پایتخت می‌نویسم شاید یک جایی، یک روز، از پایان این آلودگی‌های خطرناک خبر دادیم.

هر سال بدتر از سال قبل

ابتدا و قبل از هر چیزی بد نیست سری به اعداد و ارقام و تعداد روزهای آلوده سال ۹۹ تا اینجا و مقایسه آن با سال گذشته بزنیم. مقایسه‌ای که به ما نشان می‌دهد، در شرایطی که کرونا باعث تعطیلی مدارس و بسیاری دیگر از رویدادها و اتفاقات در کشور شده است و انتظار می‌رفت این تعطیلی‌ها و کاهش رفت‌وآمدها از میزان آلودگی هوا هم بکاهد، اما آن چیزی که شاهدش هستیم، وخامت بیشتر وضعیت آب‌وهوایی است. براساس اطلاعات و آمار موجود، از ابتدای سال ۹۹ تا ۱۳ دی‌ماه، تهران ۱۵ روز پاک، ۱۸۱ روز قابل‌قبول، ۸۷ روز ناسالم برای گروه‌های حساس و ۶ روز ناسالم برای تمام گروه‌ها را پشت‌سر گذاشته است. این درحالی است که در همین بازه زمانی در سال ۹۸، تهران ۲۵ روز پاک، ۱۹۹ روز قابل‌قبول، ۶۰ روز ناسالم برای گروه‌های حساس و پنج روز ناسالم برای تمام گروه‌ها را سپری کرده بود و این نشان می‌دهد که وضعیت امسال به‌مراتب بدتر از سال گذشته است.

سال ۹۸
روزهای پاک: ۲۵ روز
روزهای قابل‌قبول: ۱۹۹ روز
روزهای ناسالم برای گروه‌های حساس: ۶۰ روز
روزهای ناسالم برای تمام گروه‌ها: ۵ روز

سال ۹۹
روزهای پاک: ۱۵ روز
روزهای قابل‌قبول: ۱۸۱ روز
روزهای ناسالم برای گروه‌های حساس: ۸۷ روز
روزهای ناسالم برای تمام گروه‌ها: ۶ روز

مشکل و راهکار مشخص است، اراده نیست!

کمی هم به اظهارنظرها و وجوه مختلف این فضای آلوده اشاره کنیم. وقتی به اظهارنظرهای برخی کارشناسان و مسئولان، خصوصا در این چندروز مراجعه می‌کنیم، سوختن مازوت به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین دلایل آلودگی هوای پایتخت معرفی می‌شود. عباس شاهسونی، رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت با بیان اینکه کیفیت هوای بعضی مناطق کلانشهر تهران در وضعیت خطرناک قرار دارد، گفت: «با توجه به پایداری هوا و استفاده از سوخت مازوت در نیروگاه‌ها، شرایط هوای شهر تهران و سایر کلانشهرها وضعیت بدتری پیدا می‌کند. با وجود ارتباط افزایش غلظت آلاینده‌های هوا به‌خصوص غلظت ذرات معلق کوچکتر از ۲/۵ میکرون و میزان ابتلا و مرگ ناشی از کووید-۱۹ از عموم مردم به‌خصوص گروه‌های حساس مانند بیماران قلبی، ریوی، زنان باردار، سالمندان، کودکان و بیماران مبتلا به دیابت و آسم می‌خواهم که از تردد در فضای آزاد اجتناب کنند. از مسئولان ذی‌ربط می‌خواهم جهت حفظ سلامت مردم اقدام عاجل جهت کاهش منابع آلاینده به‌خصوص ممنوعیت استفاده از سوخت مازوت در نیروگاه‌ها را انجام دهند.» عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت از محیط‌زیست هم در رابطه با نقش سوزاندن مازوت در آلودگی هوای تهران خاطرنشان کرد: «در حال حاضر ظرفیت پالایشگاه‌ها از مازوت پر شده و به‌واسطه تحریم‌های بین‌المللی کسی خریدارشان نیست، بنابراین مجبوریم در برخی نقاط از سوخت مازوت استفاده کنیم. هرچند محیط‌زیست در ابتدا اصرار داشت در برخی کلانشهرهایی که مشکل آلودگی هوا دارند- مانند تهران و اصفهان- از سوخت مازوت استفاده نمی‌شود اما داده‌های شرکت کنترل کیفیت هوای تهران بیانگر استفاده از سوخت‌های غیراستاندارد در صنایع و نیروگاه‌های تهران است، چراکه علی‌رغم ممنوعیت تردد خودروهای دیزلی در تهران طی هفته گذشته، غلظت آلاینده دی‌اکسیدگوگرد- که ارتباط مستقیمی با مصرف سوخت‌های غیراستاندارد از جمله مازوت دارد- افزایش یافته است.» کلانتری همچنین چندوقت پیش مدیریت مساله آلودگی هوای پایتخت را متوجه استانداری دانسته و در این رابطه گفته بود: «وضعیت آلودگی هوای تهران قرمز است و در این شرایط استاندار تهران باید براساس اختیارات خود تصمیم به تعطیلی یا ادامه فعالیت‌ها بگیرد. باید از رفت‌وآمد خودروهای دیزلی جلوگیری و فعالیت نیروگاه‌ها کنترل شود. نمی‌توانیم به‌صرف اینکه می‌خواهیم برق تولید کنیم و گاز نداریم، مازوت دهیم و هوای شهر را به این روز بیندازیم.» مسعود تجریشی، معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست هم چندی پیش گفت: «حتی اگر تردد خودروهای شخصی نسبت به گذشته ۵۰درصد کمتر شده باشد، باز این رقم تاثیر زیادی روی کاهش آلودگی هوا نخواهد گذاشت. علاوه بر این صنایع، نیروگاه‌ها، خودروهای دیزلی، اتوبوس‌ها و... همانند گذشته در بیشتر شهرهای کشور مشغول فعالیت هستند و حتی مصرف گاز نیز در کشور بیشتر از سال گذشته شده است. ازاین‌رو نباید توقع داشت که با کاهش تردد خودروهای شخصی و تعطیلی برخی مراکز، آلودگی هوا نیز کمتر شود. متاسفانه براساس آخرین آمار از روزهای ابتدایی هفته گذشته تعدادی از نیروگاه‌ها در تهران نیز به‌سمت مازوت‌سوزی رفته‌اند. به‌هرحال ما به‌دادستانی نامه‌زده و خواسته‌ایم که به‌سرعت جلوی این اقدام گرفته شود. نسبت آلایندگی منابع متحرک مانند خودروهای دیزلی، موتورسیکلت‌ها و خودروهای شخصی به منابع ثابت مانند صنایع و نیروگاه‌ها حدود ۶۰ به ۴۰ است اما اگر نیروگاه‌ها و صنایع از سوخت مازوت استفاده کنند این نسبت به‌هم خواهد خورد و سهم زیادی در آلودگی هوا خواهند داشت. متاسفانه هیچ اراده‌ای برای رفع آلودگی هوای تهران وجود ندارد، چراکه هم موضوع مشخص است و هم راهکارهای اجرایی اما اقدامی نمی‌شود. براساس آخرین نمونه‌برداری‌ها کیفیت سوخت گاز و بنزین حدود ۸۰درصد در کشور استاندارد است اما طی روزهای آینده مجددا از جایگاه‌های سوخت نمونه‌برداری خواهد شد. به‌نظر می‌رسد که آمار جدید متفاوت با نمونه‌برداری‌های پاییز باشد.»

راهکارهایی برای مواجهه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت

آنقدر متولیان زیادند و کلاف مواجهه با ماجرای آلودگی هوای پایتخت پیچیده شده است که واقعا نمی‌دانیم به کدام ریسمان چنگ بیندازیم که کسی فکری به حال سلامت این مردم بکند. یکی شهرداری را مسئول می‌داند، یکی استانداری را، یکی پلیس را و آن یکی وزارت کشور و سازمان حفاظت از محیط‌زیست و... سرآخر هم سرگردان بین همین نهادها و سازمان‌ها و اسامی، خوش‌شانس اگر باشیم بادی می‌وزد و بارانی می‌بارد و همه‌چیز فراموش می‌شود تا سالی دیگر و ایام پر از دود دیگر! با این همه در رابطه با آلودگی هوای پایتخت و آنچه بر سر مردم و سلامت‌شان آمده و می‌آید، با محمد درویش، فعال و پژوهشگر محیط‌زیست هم گفت‌وگویی انجام دادیم و او در این رابطه به «فرهیختگان» گفت: «در کوتاه‌مدت باید تمام فعالیت‌های برداشت شن و ماسه در اطراف تهران و فعالیت‌های معدنی تعطیل شود، تمام ساختمان‌سازی‌ها باید تعطیل شود که در کوچه‌های شهر شاهد هستیم ساختمان‌سازی می‌شود، شب‌ها با بیل مکانیکی خاک‌برداری می‌کنند و این ذرات کوچک‌تر از ۲/۵ میکرون را ایجاد می‌کند. هر نوع تخریب ساختمان کلا باید توسط شهرداری شفاف اعلام شود که به‌مدت یک ماه ممنوع است. این کارهایی است که باید در کوتاه‌مدت انجام دهند، با توجه به این وزیر بهداشت هم از وزارت نفت درخواست کرد که مصرف مازوت را در نیروگاه‌ها قدغن اعلام کند، به‌نظرم می‌رسد الان ستاد ملی کرونا می‌تواند به‌عنوان فصل الختام وارد ماجرا شود و عالی‌ترین ستادی که نظرات آن را باید نیروهای مسلح هم اجرا کنند، اجازه مصرف مازوت در نیروگاه‌ها و کارخانه‌های صنعتی دست کم در کلانشهرهایی که با مشکل روبه‌رو هستند، داده نشود. اینها کارهایی است که در کوتاه‌مدت می‌تواند انجام شود و در میان‌مدت با توجه به اینکه دانشگاه‌های صنعتی ما به‌خصوص دانشگاه شریف، دانشکده فنی دانشگاه تهران و امیرکبیر پیشنهادهایی را به وزارت نفت مطرح کردند که می‌توانند این مازوت را که الان خریداری ندارد تبدیل به مواد ارزشمند دیگری کنند و نیاز نباشد بسوزانند، باید توصیه کنیم و از طریق فراکسیون محیط‌زیست مجلس فشار بیاوریم که وزارت نفت هزینه این پژوهش‌ها را بپذیرد و اگر با چنین شرایطی روبه‌رو شدیم منتظر نباشیم از مازوت برای آلوده کردن طبیعت استفاده کنیم یا در نیروگاه‌ها بریزیم و بسوزانیم و خسارت‌های جبران‌ناپذیرتری را به ارمغان بیاوریم. این ماده باخردمندی می‌تواند تبدیل به ارزش افزوده بیشتری شود و اصل ماجرا این است که ظرفیت معابر عمومی کلانشهرهای ما خیلی وقت است پر شده. در تهران که شاهد بیشترین نهضت اتوبان‌سازی و پل‌سازی بوده، خود آنها اعلام می‌کنند تعداد خودروها بیش از ۶ برابر ظرفیت معابر عمومی است. باید به‌سمت بهبود کیفیت حمل‌ونقل عمومی برویم. اگر تعداد واگن‌های مترو ما بیشتر بود، اگر تعداد BRTهای ماوون‌های ما بیشتر بود می‌توانستیم با رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی عین اتفاقی که در کشورهای اروپایی افتاده، همچنان مردم را تشویق کنیم که از خودروهای شخصی خود استفاده نکنند. چرا الان این همه شاهد ترافیک‌هایی بدتر از زمانی که کرونا نبود، هستیم؟ به‌خاطر اینکه بخشی از مردم ناچار هستند از خودروی شخصی استفاده کنند، چون در استفاده از مترو یا اتوبوس‌ها احساس امنیت نمی‌کنند. این امر ترافیک و آلودگی هوا و کم‌تحرکی را تشدید می‌کند. کم‌تحرکی باعث می‌شود مردم نسبت به کرونا آسیب‌پذیرتر شوند. اینها سلسله عملکردها و راهکارهایی است که می‌تواند در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در دستور کار سازمان محیط‌زیست، سازمان شهرداری‌ها و وزارت کشور قرار گیرد.»

تهران دو روز تعطیل می‌شود؟

روز گذشته جلسه کمیته اضطرار آلودگی هوای تهران برگزار شد و انوشیروان محسنی‌بندپی، استاندار تهران در این جلسه گفت: «در حال حاضر هیچ صنایع ونیروگاهی در تهران از سوخت مازوت استفاده نمی‌کند و این موضوع مورد تایید شرکت پخش و پالایش فرآورده‌های نفتی و محیط‌زیست استان تهران است. به این ترتیب صنایع از سوخت گاز و گازوئیلی که حداقل ۵۰درصد آن از یورو ۴ برخوردار است، استفاده می‌کنند. از سوی دیگر پلیس نیز از تردد خودروهای دودزا و فاقد معاینه فنی جلوگیری کرده و با نظارت بر این بخش اقدام موثری انجام شده است. همچنین تلاش برای برخورد با موتورسیکلت‌های فاقد معاینه فنی در دستور کار قرار گرفته است. فعالیت‌های عمرانی تا اطلاع ثانوی متوقف است و تلاش می‌کنیم فعالیت معادن شن و ماسه به میزان تاثیری که بر آلودگی هوا دارند، کنترل شوند. ظرف روزهای گذشته دو لایه وارونگی در ارتفاع ۲۰۰ و ۹۰۰ متری را شاهد بوده‌ایم، به این ترتیب علی‌رغم همه تمهیدات اتخاذشده باید تمهید دیگری اندیشیده شود. بر همین اساس و با توجه به مصوبه هیات وزیران که در چنین شرایطی باید تدابیر سخت‌تری نسبت به حفظ و ارتقای سلامت جامعه اتخاذ کنیم، باید تصمیماتی برای کاهش عوامل تماس با این ذرات گرفته شود؛ لذا پیشنهاد و جمع‌بندی جلسه امروز برای معاون اول رئیس‌جمهور ارسال خواهد شد. بی‌تردید برای حفظ سلامت آحاد جامعه و با توجه به معیارها و قوانین مصوب هیات وزیران جمع‌بندی این جلسه که پیشنهاد اعضا بوده، یعنی دوروز تعطیلی برای همه دستگاه‌های اداری دولتی، خصوصی و همچنین فعالیت‌های عمرانی به معاون اول رئیس‌جمهور ارائه خواهد شد که برابر قوانین معاون اول رئیس‌جمهور و یا هیات وزیران در این خصوص تصمیم‌گیری نهایی را انجام خواهند داد.»

گزارش

در جست‌وجوی زندگی

یاسمن کربلایی
روزنامه‌نگار

منطقه پیرخوشاب با ۲۱ روستا در شرق رودبارجنوب، منطقه‌ای کوهستانی است که مردمانش به دامداری مشغول بودند و در سال‌های خشکسالی به‌دلیل نبود آب تعـدادی از آنها مجبور به مهاجرت به بیابان‌های اسـتان شدند. عده‌ای در روسـتای کریم‌آباد و ۲۵ خانوار هم به منطقه سردشت کرمان رفتند و تازه قصه پرغصه زندگی‌شان شروع شد. ۲۵ خانوار ساکن سردشت که هرکدام حداقل ۸ بچه داشتند در کپرهایی بی‌هیچ امکانات ساکن شدند و حالا نه آب داشتند و نه برق. بچه‌هایشان ۴ ساعت راه می‌رفتند تا از روستای دیگری آب بیاورند. اما مورد اعتراض مردم آن منطقه قرار می‌گرفتند و سرخورده بازمی‌گشتند. خانواده‌ها تصمیم می‌گیرند تنها دارایی شـان که تعدادی دام بود را بفروشـند تا موتورآب بخرند و از چاه آب نزدیک کپرها آب بکشند، غافل از اینکه چاه مال دولت اسـت و دولت هم در اینجا معارض مردم! ۱۲ مرد بازداشت می‌شوند و ۱۲ روز هم در بازداشـت می‌مانند و پرونده‌ای علیه آنها تشکیل می‌شود. حالا دولت مدعی موتورآب شخصی‌شان می‌شود و ۲ سال طول می‌کشد تا ثابت کنند موتور را خودشان خریده‌اند و با پول یارانه خانوارها گازوئیلش را تامین می‌کنند! تمام این دردسرها برای موتورآبی بود که تنها ۲۰ روز از ماه آن هم برای ۲ ساعت آب در اختیار آنان قرار می‌داد. آبی که هم آب شـرب است و هم برای حمام و شست‌وشوی لباس و ظرف و آب‌تنی کودکان در دمای ۵۵ درجه خردادماه و... همین آب چاه تصفیه نشـده. ناگفته نماند که این آب غیربهداشـتی شاید یکی از دلایل مریضی‌های پوستی و گوارشی و پرونده غمناک جداگانه‌ای است. با همه این مشکلات حالا آب داشتند اما کار و سرمایه نه! مردهایشان کارگر فصلی برای برداشت گوجه شدند، البته اگر چند روزی کار پیدا می‌شد و درحقیقت زندگی‌شان بند شد به یارانه نفری ۴۵ هزار تومان! در میانه این زندگی سخت به‌مدد خیرین، کانکسی ۱۲ متری برای تحصیل ۳۰ کودک مقطع ابتدایی مستقر می‌شود. حالا ۴ ساعت راه می‌روند تا در روستای دیگری به دبیرستان بروند و چنین می‌شود که عطای درس را به لقایش می‌بخشند و ترک تحصیل می‌کنند. خانوارهایی که به روسـتای کریم‌آباد رفتند هم داستان مشابهی دارند؛ آنها در فاصله‌ای کمتر از یک کیلومتر از دکل برق ۴ سال است به‌دنبال رشته برقی می‌دوند و تازگی‌ها وعده‌ای شنیده‌اند اما باز هم بی‌عمل. می‌توان با چند تیر برق، برق را کنار تلمبه آب آورد تا دسـتگاه برقی شود و ساکنان مجبور نباشند هزینه ۷۰۰ هزار تومانی خرید گازوئیل را متحمل شـوند. زمین‌هایی که این افراد در آن ساکن شده‌اند متعلق به اداره اتباع خارجی وزارت امور خارجه است که اوایل انقلاب به‌دلیل مهاجرت مردم افغانستان جهت اسکان آنها پیش‌بینی شده بود اما در سال‌های بعد ورود اتباع بیگانه و اسکان آنها به منطقه رودبار جنوب ممنوع و صدها هکتار زمین حاصلخیز رها شد. این زمین‌ها بین مردم محلی به طلاخیزی شهره‌اند چراکه نخل‌های کوچک ۴ سـاله در آن محصولات زیادی می‌دهد. تمام خواست مردم واگذاری این زمین‌ها جهت کشاورزی است که می‌توان با تمهیداتی همچون اجاره به شرط تملیک، شراکت در محصول و... مشکل را حل کرد.

کرمان را بشناسیم

استان کرمان با در بر گرفتن ۱۱ درصد از وسعت ایران، وسعتی در حدود کشور سوریه دارد. پهنه اقلیم آب‌وهوایی آن نیز از بیابانی تا معتدل و سرد و خشک و گرم و مرطوب گسترده است. منطقه جنوب کرمان هم‌مرز با استان هرمزگان و سیستان‌وبلوچستان است. این منطقه شامل جیرفت، رودبار جنوب، فاریاب، کهنوج، قلعه‌گنج، منوجان و عنبرآباد می‌شود. از نظر اقلیمی نیز چند اقلیم آب‌وهوایی در همین محدوده قابل شناسایی است، زمین‌های حاصلخیز از مشخصه‌های برجسته جنوب کرمان است. جنوب کرمان به‌نوعی بهشت معادن کشور است. این منطقه از حیث ذخایر معدنی در کشور رتبه سوم را داراست. کرومیت، تیتانیوم، مس و آهن از جمله ذخیره‌های معدنی هستند که در این منطقه وجود دارند. اما جالب است بدانید در چند سال گذشته بارها باغداران و جالیزداران منطقه، محصولات خود را وسط جاده ریخته و امحا کرده‌اند! چرا؟ نبود صنایع تبدیلی کشاورزی عامل مهم خسارت کشاورزان است. صنایعی که گاه با سرمایه‌هایی کوچک قابل راه‌اندازی است. به‌طور مثال گوجه از محصولات مهم جنوب استان کرمان است و می‌توان با ایجاد کارگاه‌های کوچک تولید رب و یا دستگاه‌هایی برای خشک کردن گوجه ارزش محصول را چند برابر کرده و به این وسیله ایجاد اشتغال کرد. با این کار از زیان و هدررفت محصولات کشاورزان جلوگیری می‌شود و منطقه هم رونق پیدا خواهد کرد. بیشترین ظرفیت تولید حنای جنوب کرمان در شهرستان رودبار جنوب وجود دارد و درواقع باید گفت، رودبار قطب تولید حنا در کشـور است چراکه بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ کشاورز این شهرستان به کاشت و برداشت این محصول مشغولند. اما جای سوال است که چرا برداشت حنا در چنین منطقه‌ای که بیشترین تولید حنا را دارد به‌صورت سنتی انجام می‌شود؟! حنای رودبار به‌لحاظ رنگ و کیفیت جزء مرغوب‌ترین حناهای کشور به‌شمار می‌رود و در مصارف آرایشی، بهداشتی و دارویی کاربرد فراوان دارد و بخش زیادی از این محصول پس از فرآوری و بسته‌بندی و تامین نیاز بازار داخلی به سایر کشورها از جمله سوریه و عراق صادر می‌شود، ولی به‌دلیل نبود صنایع فرآوری و بسته‌بندی، این محصول توسط واسطه‌ها و دلالان با قیمت ناچیز، خریداری و در استان‌های دیگر فرآوری و به اسم آنها به مصرف داخلی می‌رسد و یا صادر می‌شود. از مشکلات مهم و اساسی کشاورزان در توسعه کشت حنا در شهرستان رودبار، نبود صنایع مکانیزه کاشت، داشت و برداشت به‌ویژه کارخانه خشک‌کن برگ حنا است. صابری، معاون اسبق استاندار می‌گوید: «بهترین محصولی که در منطقه برجک (از روستاهای پیرخوشاب) دیدم، حناست؛ این گیاه تک‌پایه نیست و می‌توان چندین سال از آن برداشت کرد، حنای خشک‌شده خام را کیلویی x تومان می‌خرند، آسیاب می‌کنند و دوباره در همان منطقه با ۴ برابر قیمت می‌فروشند. حال اگر آسیاب‌های کوچک سنتی در همان روستا بگذارند ارزش افزوده محصول بالا می‌رود و به‌واسطه آن در شهرستان فقر کمتر و اشتغال بیشتر می‌شود.» در زمینه مرکبات نیز همین معضل به‌چشم می‌خورد. باغ‌های فراوان و نبود کارخانه‌های تبدیلی و سردخانه‌های مجهز و کافی برای سامان دادن به محصولات مرغوب! درحالی که با توجه به فاصله جنوب اسـتان با بندرعباس می‌توان از ظرفیت‌های فراوان کشاورزی و باغداری استان و فرآوری محصولات برای صادرات به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس استفاده کرد. ماجرای معادن منطقه و خام‌فروشی‌ها نیز ماجرایی شنیدنی است. فاریاب از شهرهای بسیار محروم جنوب است اما ارزشمندترین معادن کرومیت با ۵۰ درصد خلوص که ۷۰ درصد کرومیت کشور را دارد متعلق به فاریاب کرمان است! لیکن نبود کارخانه‌های تبدیلی و بالادستی باعث‌شده این محصول مهم به‌صورت خام صادر شود و در سال‌های اخیر پای آن به قاچاق هم باز شود.

وضعیـت کنونی محرومان در جنوب کرمان، حاصل عدم‌مدیریت صحیح و نبود نگاه جامع در اصلاح امور است. پتانسیل‌های مردمی زیادی برای احیای منابع و رفع محرومیت موجود است که نه‌تنها در قالب گروه‌های جهادی مقطعی و نه‌فقط درحد توزیع ارزاق که برای حل پیچیده‌ترین مسـائل می‌توان از آنها یاری گرفت لیکن لازمه این اتفاق حذف قوانین دسـت‌وپاگیر اداری و نگاه مدیریتی جامع و باور توانمندی‌های مردمی است. باشد که پس از گذشت ۴ دهه از انقلاب اسلامی شاهد شکوفایی و ریشه‌کنی فقر در این مناطق باشیم.